



بررسی تأثیر درجه باز بودن تجارت و رشد بخش کشاورزی بر شاخص کارآفرینی

ویدا سررانی کانی^۱، سید مجتبی مجاوریان^۲ و محمد مهدی مردانشاهی^۳

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد کشاورزی دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری، (نویسنده مسوول: vserrani@ymail.com)

۲ و ۳- دانشیار و دکتری، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری

تاریخ دریافت: ۹۵/۵/۱۶ تاریخ پذیرش: ۹۵/۸/۲

چکیده

هدف اصلی این تحقیق، بررسی تأثیر رشد بخش کشاورزی و درجه باز بودن تجارت بر کارآفرینی تثبیت شده و کارآفرینی جدید در کشورهای منتخب است. برای این منظور از داده‌های مربوط به ۲۵ کشور منتخب طی دوره زمانی ۲۰۱۳-۲۰۰۸ و رهیافت داده‌های ترکیبی استفاده شده است. نتایج برآوردها مبین وجود تأثیر مثبت و معنی‌دار هر دو متغیر بر کارآفرینی در کشورهای مورد مطالعه است، به طوری که یک درصد افزایش در درجه باز بودن تجارت و رشد بخش کشاورزی با یک وقفه زمانی به ترتیب منجر به $18/3\%$ و $0/06\%$ درصد تغییر مثبت در نرخ کارآفرینی تثبیت شده، می‌شود و از طرفی یک درصد افزایش در درجه باز بودن تجارت و رشد بخش کشاورزی با یک وقفه به ترتیب منجر به $16/73\%$ و $0/32\%$ درصد تغییر مثبت در نرخ کارآفرینی جدید شده است. بنابراین، در جهت نیل به ایجاد کارآفرینی در بخش کشاورزی، توجه هرچه بیشتر به این دو مقوله و رفع موانع پیش روی آنها باید در دستور کار کشورها قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: داده‌های ترکیبی، درجه باز بودن تجارت، رشد بخش کشاورزی، کارآفرینی تثبیت شده، کارآفرینی جدید

مقدمه

توسعه اقتصادی دنیای امروز بر پایه‌ی نوآوری و خلاقیت و استفاده از دانش استوار بوده و بزرگترین سرمایه‌های یک بنگاه اقتصادی، منابع انسانی یا نیروهای اهل فکر، یادگیرنده و خلاق هستند و این نیروها کسانی جز کارآفرینان نیستند. کارآفرینی و همچنین نوآوری در خلاقیت به عنوان پیش‌فرض‌های رشد اقتصادی، نتایج مطلوب در اقتصاد پویا را رقم می‌زنند. کشورهای که میزان فعالیت کارآفرینانه‌ی بالایی دارند، به واسطه‌ی طبیعت کارآفرینی در تطبیق با تغییرات، قادرند موفقیت بیشتری را کسب کنند. کارآفرینی به عنوان فرآیند شناسایی، ارزیابی و بهره‌برداری از فرصت‌ها در قالب راه‌اندازی و مدیریت کسب و کارهای جدید، نقش به‌سزایی در رشد اقتصادی ایفا می‌کند (۱۱).

امروزه در کشورهای مختلف توجه خاصی در دانش مدیریت و اقتصاد به کارآفرینی اقتصادمدار و کارآفرینان می‌شود. تقویت کارآفرینی و ایجاد بستر مناسب برای توسعه‌ی اقتصادی از ابزار پیشرفت اقتصادی کشورها، به ویژه کشورهای در حال توسعه است. براساس بیانیه‌ی کارآفرینی جهانی، یک همبستگی قوی میان اقتصاد ملی و سطح فعالیت کارآفرینانه‌ی ملی و سازمانی وجود دارد (۷).

از اولین اقتصاددانانی که کارآفرینی را وارد عرصه توسعه اقتصادی کرد شومپتیر در سال ۱۹۳۴ بود. از دید وی، کارآفرینان، نوآورانی هستند که با ایجاد انحصار موقت از طریق نوآوری سازمانی و فناوری، زمینه و فرصت کسب سود را به وجود می‌آورند. فرآیند کارآفرینی هنگامی شروع می‌شود که افراد، یک فرصت بالقوه برای خلق چیز جدید (کالا یا خدمات جدید، بازارهای جدید، فرآیند تولید جدید، مواد اولیه جدید، راه‌های جدید سازمان‌دهی تکنولوژی‌های موجود که از

طریق شرایط، تغییر در دانش، تکنولوژی، اقتصاد، سیاست، مسائل اجتماعی و شرایط جمعیت شناختی حاصل شده است را شناسایی می‌کنند (۹).

فعالیت‌های کارآفرینی در مراحل اولیه حتی مهم‌تر از اندازه‌گیری کارآفرینی می‌باشد. در سال‌های اخیر اقتصاددانان متوجه شده‌اند که رابطه U شکل و معنی‌داری بین کارآفرینی در مراحل اولیه فعالیت‌ها و سطوح توسعه اقتصادی وجود دارد. این واقعیت نشان‌دهنده شروع یک مرحله نوآوری مبتنی توسعه اقتصادی در رابطه بین کارآفرینی و نوآوری است. امروزه کارآفرینی از مسایل مهم سیاستی تبدیل شده است (۱۴).

از طرفی کارآفرینی با توسعه اقتصادی رابطه تنگاتنگی دارد. به طوری که امروزه یکی از شاخص‌های توسعه در کشورهای رو به رشد محسوب می‌شود. در واقع از نگاه صاحب‌نظران اقتصادی، کارآفرینی مهم‌ترین منبع نوآوری، اشتغال‌زایی و رشد و توسعه می‌باشد (۷). هیچ عاملی را در اقتصاد، مهم‌تر از نرخ رشد اقتصادی نمی‌توان یافت که دلالت مستقیم بر افزایش رفاه اقتصادی بلندمدت یک ملت داشته باشد. رشد بالای اقتصادی و توسعه بالای اقتصادی از جمله اهدافی است که همه‌ی اقتصادها به دنبال آن هستند و علت آن وجود منافع و مزایایی می‌باشد که رشد اقتصادی به ارمغان می‌آورد که مهم‌ترین آنها را می‌توان سطح بالا رفاه جامعه نام برد و این هدف نهایی سیاست‌گزاران هر کشور است (۶).

در این تحقیق از رشد بخش کشاورزی و درجه باز بودن تجارت بر روی دو شاخص کارآفرینی تثبیت‌شده و کارآفرین جدید برای سنجش کارآفرینی استفاده شده است. شرکت‌های تثبیت شده یا اقتصاد اصلی، اولین ساز و کار اصلی مؤثر در

رگرسیون مورد نظر با روش پانل پویای با استفاده از تخمین زن گشتاورهای تعمیم یافته (GMM) نتیجه گرفتند که کارآفرینی بر رشد اقتصادی تأثیر می‌گذارد، اما این تأثیر به سطح درآمد سرانه کشورها بستگی دارد. به عبارتی، در کشورهای فقیر بین سطح کل فعالیت‌های کارآفرینی و رشد اقتصادی رابطه منفی وجود دارد، در حالی که ارتباط برای کشورهای ثروتمند و با درآمد سرانه بالا مثبت است. اسکلمن و همکاران (۱۳) در مطالعه‌ای به بررسی رابطه بین فعالیت‌های کارآفرینی و چرخه کسب و کار با درجه باز بودن اقتصادی پرداختند. بررسی ارتباط میان فعالیت‌های کارآفرینی، کسب و کار و چرخه بیکاری در رابطه با باز بودن اقتصاد می‌باشد. از داده‌ها به دو صورت سه ماهه و سالانه برای ۱۹ کشور OECD در دوره ۱۹۹۸-۲۰۰۷ استفاده شده است. فعالیت کارآفرینی در کوتاه‌مدت، چرخه کسب و کار در کشور و به دنبال آن چرخه کسب‌وکار جهان با تأثیر مواجه می‌شود. این نشان می‌دهد که الگوی چرخه کسب‌وکار یک کشور موقعیت نسبی به چرخه کسب و کار جهانی دارد و انواع مختلف فرصت‌های کارآفرینانه در افق زمانی متفاوت ایجاد می‌کند و نشان می‌دهد که آزادی اقتصادی نقش مهمی در ایجاد فرصت‌های کارآفرینی مربوط به عملکرد دوره‌ای یک کشور ایفا می‌کند.

مواد و روش‌ها

با توجه به داده‌های اندک در سری زمانی اطلاعات مورد نیاز، در این تحقیق از روش داده‌های تابلویی به منظور بررسی عوامل تعیین‌کننده کارآفرینی و رشد اقتصادی استفاده می‌شود. ساختار کلی داده‌های ترکیبی به صورت رابطه (۱) می‌باشد:

مدل اثرات تصادفی^۳ در الگوی اثرات ثابت، پارامترهای زیادی وجود دارند. اگر فرض شود که μ_i ها تصادفی‌اند، دیگر درجات آزادی از دست نمی‌روند. در این مورد μ_i ها مستقل از V_{it} ها هستند. الگوی اثرات تصادفی، تصریح مناسبی برای شرایطی است که از جمعیت بزرگ، N فرد به طور تصادفی انتخاب می‌شود.

$$Y_{it} = \alpha_i + \beta X'_{it} + U_{it} \quad (1)$$

به طوری که در آن i نشان‌دهنده مشاهده در مقطع و t نشان‌دهنده زمان است. β بردار ضرایب و α_i نشان‌دهنده اثرات ویژگی‌های فردی ثابت در طول زمان است. U_{it} جزء اختلال تصادفی می‌باشد که $U_{it} \sim N(0, \sigma_u^2)$. فرض بر این است که جزء خطای یک‌طرفه به صورت $U_{it} = \mu_i + V_{it}$ وجود دارد.

مدل اثرات ثابت^۴ در این روش، D_i به عنوان یک متغیر مجازی برای مقطع t ام تعریف می‌شود که در نتیجه معادله رگرسیونی به صورت رابطه (۲) خواهد بود:

$$Y_{it} = \alpha_i + \beta X'_{it} + \sum_{i=1}^M \mu_i D_i + V_{it} \quad (2)$$

کارآفرینی را شکل می‌دهند و با توجه به مدل از الزامات اساسی و نیز عوامل ارتقادهنده‌ی کارایی تأثیر می‌پذیرند. شرکت‌های بزرگ و تثبیت‌شده عهده‌دار کسب و کار و بین‌المللی در کشورها می‌باشند. کارآفرین جدید فرد بالغی است که به طور فعال یک کسب و کار جدیدی را مدیریت می‌کند و مالک تمام یا قسمتی از آن کسب و کار است (۹).
با توجه به اهمیت کارآفرینی در نظریات توسعه بعد از شومپیتر مطالعات زیادی در زمینه اثرات اقتصادی کارآفرینی انجام گرفته است که در ادامه به برخی از آنها اشاره شده است:

کاظمی ترقبان و همکاران (۶) در مطالعه خود به بررسی اثر کارآفرینی بر رشد اقتصادی ایران با استفاده از رویکرد میانگین‌گیری بیزی پرداختند. این روش به دلیل ویژگی‌های مناسب برای فرض عدم اطمینان مدل استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد که تورم، نیروی کار، سرمایه‌گذاری، صادرات، کارآفرینی، مخارج بهداشتی دولت و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی اثر معنی‌داری بر رشد اقتصادی داشته است. همچنین برای ایجاد زمینه‌ی کارآفرینی در کشور، کنار سایر عوامل اثرگذار بر رشد اقتصادی توجه ویژه‌ای می‌شود. کیاکجوری و همکاران (۸) در مطالعه‌ای به ضرورت کارآفرینی در توسعه اقتصادی و اجتماعی پرداختند. نتایج بدست آمده کارآفرینی را به عنوان یک منبع نوآوری، اشتغال زایی، توسعه و یکی از عواملی که در کنار کار و توسعه اقتصادی مطرح است معرفی گردید. همچنین نتایج نشان داد وجود کارآفرینان با ویژگی‌های خلاقیت و نوآوری در رشد و توسعه اقتصادی نقش به‌سزایی دارد و همچنین گسترش روحیه کارآفرینی و تربیت و پرورش کارآفرینانه در جامعه اثر مطلوبی بر رشد اقتصادی و اجتماعی به‌جای می‌گذارد. صباحی و همکاران (۱۰) در مطالعه‌ای به بررسی اثر کارآفرینی بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب پرداختند. آنها از داده‌های مقطعی سال ۲۰۰۸ استفاده کردند. برای اندازه‌گیری کارآفرینی از سه شاخص مختلف (شاخص فعالیت کارآفرینی نوپا، شاخص تمامی فعالیت‌های کارآفرینانه و شاخص نوآوری) استفاده شد. نتایج نشان‌دهنده‌ی اثر معنی‌داری کارآفرینی بر رشد اقتصادی می‌باشد. طبق نتایج، کارآفرینی در کشورهای توسعه‌یافته به‌خصوص بر اساس جنبه نوآوری مورد تأکید قرار گرفته و در کشورهای در حال توسعه نیاز به سیاست‌های تشویقی دولت برای افزایش مشارکت احساس می‌شود.

بلانچفلور (۳) با استفاده از داده‌های سری زمانی مربوط به ۲۳ کشور عضو OECD به بررسی اثر کارآفرینی بر رشد اقتصادی کشورهای مذکور در دوره (۱۹۶۶-۱۹۹۶) پرداخت. این پژوهشگر خوداشتغالی را معیاری برای کارآفرینی در نظر گرفت و با برآورد مدل نتیجه گرفت که رابطه معنی‌داری بین خوداشتغالی و رشد اقتصادی وجود ندارد. وان استل و همکاران (۱۴) اثر کارآفرینی بر رشد اقتصادی ۳۶ کشور جهان را در دوره (۱۹۹۹-۲۰۰۳) مورد بررسی قرار دادند. آنها شاخص کل فعالیت‌های کارآفرینی^۱ (TEA) را به عنوان شاخص کارآفرینی در نظر گرفتند و پس از برآورد مدل

$$Y_{it} - Y_{it-1} = \gamma(Y_{it-1} - Y_{it-2}) + \beta(X_{it} - X_{it-1}) + \varepsilon_{it} - \varepsilon_{it-1} \quad (4)$$

به عبارت ساده‌تر:

$$\Delta Y_{it} = \gamma \Delta Y_{it-1} + \beta \Delta X_{it} + \Delta \varepsilon_{it} \quad (5)$$

در نهایت، مدلی که در این مطالعه برآورد می‌شود به صورت رابطه (۶) می‌باشد.

$$E_{it} = \alpha + \sum_{i=1}^n \delta_i O_{i,t-1} + \sum_{i=1}^n \theta_i G_{i,t-1} + \sum_{i=1}^n \varphi_i E_{i,t-1} + \varepsilon_{it} \quad (6)$$

E_{it} : متغیر کارآفرینی، O : متغیر درجه باز بودن تجارت خارجی کشاورزی و G : رشد کشاورزی می‌باشد.

اطلاعات مورد استفاده در این مطالعه، داده‌های ترکیبی بین سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۳ برای ۲۵ کشور می‌باشد. این کشورها شامل: ۷ کشور از قاره آمریکا، ۱۵ کشور از قاره اروپا، ۱ کشور از قاره آفریقا و ۲ کشور از قاره آسیا می‌باشد. کشورها مورد نظر عبارتند از: آرژانتین، برزیل، شیلی، کلمبیا، پرو، ایالات متحده آمریکا، اروگوئه، بلژیک، بوسنی و هرزگوین، کرواسی، فنلاند، فرانسه، آلمان، یونان، مجارستان، هلند، نروژ، رومانی، روسیه، اسلوانی، اسپانیا، بریتانیا، آفریقای جنوبی، ایران و ژاپن، انتخاب این کشورها براساس وجود داده در بانک اطلاعاتی کارآفرینی است. متغیرها تحقیق شامل شاخص کارآفرینی از بانک اطلاعات GEM و صادرات و واردات بخش کشاورزی و ارزش افزوده این بخش از سازمان فائو (FAO) جمع‌آوری شده است.

نتایج و بحث

در شکل ۱ و ۲ میانگین شاخص کارآفرینی تثبیت‌شده و کارآفرینی جدید کشورهای منتخب از سال ۲۰۰۸-۲۰۱۳ نشان داده شده است. در شاخص کارآفرینی تثبیت‌شده برزیل با ۱۴/۰۸۳ بیشترین و آفریقای جنوبی با ۲/۲۱۶ کمترین مقدار را دارا می‌باشد و این شاخص برای ایران عدد ۹/۴۶۶ را نشان می‌دهد.

در مورد کارآفرینی جدید برزیل با ۱۰/۹۵ بیشترین و فرانسه با ۱/۷۳۳ کمترین مقدار را دارا می‌باشد و این شاخص برای ایران عدد ۵/۲۸۳ را نشان می‌دهد.

داده‌های تابلویی پویا: یک مشکل استفاده از روش اثرات ثابت و اثرات تصادفی، عدم پویایی آن است. در نظر گرفتن وقفه برای متغیرهای وابسته به منظور کنترل اثرات ماندگاری آن اهمیت زیادی دارد. به منظور کنترل اثرات وقفه متغیر وابسته از مدل داده‌های تابلویی پویا استفاده می‌شود برآورد تصریح پویا با استفاده از حداقل مربعات معمولی اثرات ثابت امکان‌پذیر نیست، چرا که معرفی متغیر تأخیری، برآوردگر را غیرثابت می‌سازد.

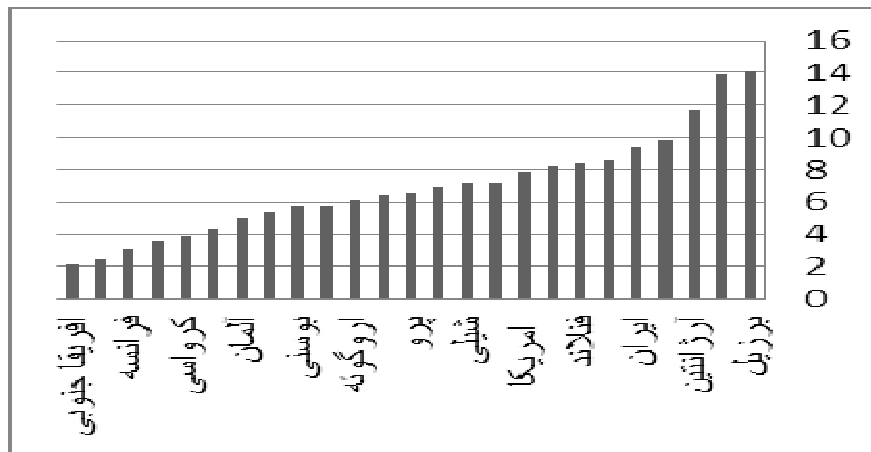
رگرسیون با اجزای خطای پویا هنگامی مطرح می‌شود که متغیر وابسته با وقفه در میان رگرورها وجود داشته باشند، یعنی:

$$Y_{it} = \alpha Y_{it-1} + X_{it}'\beta + \mu_i + V_{it} \quad i = 1, \dots, T, \quad t = 1, \dots, N \quad (7)$$

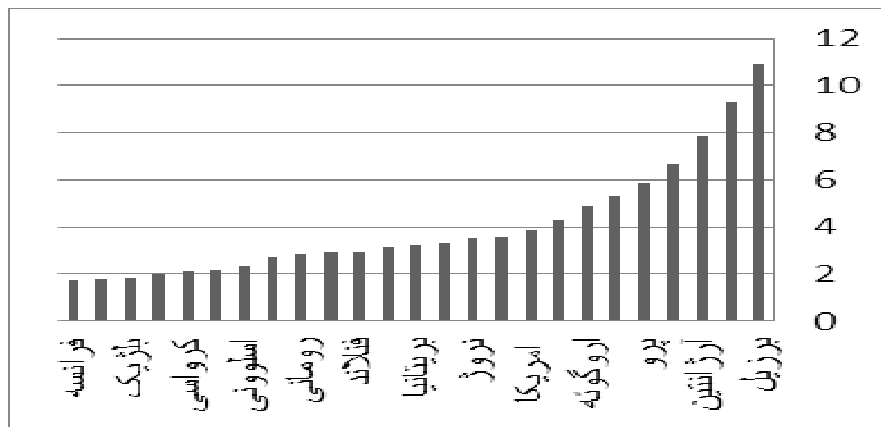
در این الگو، δ یک عدد، X_{it} بردار $1 \times K$ و β بردار $1 \times K$ است. از آنجا که Y_{it} نیز تابعی از μ_i است، Y_{it-1} تابعی از μ_i است. بنابراین Y_{it-1} (رگرسور موجود در سمت راست) با اجزای خطا همبسته است. در نتیجه تخمین زن OLS اریب و ناسازگار است (۱).

لازم به ذکر است، هنگامی که در مدل داده‌های تابلویی، متغیر وابسته با وقفه در سمت راست ظاهر شود دیگر برآوردگرهای (OLS) سازگار نیست (آرلانو- باند، ۱۹۹۱) و بایستی از روش‌های حداقل مربعات دو مرحله‌ای 2SLS (آندرسون و هیسائو) یا گشتاورهای تعمیم‌یافته GMM (آرلانو و باند) استفاده نمود. برآوردگر (2SLS) ممکن است به دلیل مشکل در انتخاب ابزارها، واریانس‌های بزرگ برای ضرایب بدست دهد و برآوردها از لحاظ آماری معنی‌دار نباشد. در نتیجه روش GMM توسط آرلانو و باند برای حل این مشکل پیشنهاد شده، به طوری که این تخمین‌زن از طریق کاهش تورش نمونه، پایداری تخمین را افزایش می‌دهد.

روش گشتاورهای تعمیم‌یافته GMM: این تخمین‌زن برای خلاص شدن از شر اثرات خاص مربوط به مقاطع و تمامی رگرسورهای ثابت نسبت به زمان، اساساً الگو تفاضل‌گیری می‌کند. همچنین این کار سبب می‌شود تا هر درون‌زایی که احتمالاً به همبستگی این اثرات انفرادی و رگرسورهای سمت راست منجر می‌شود، مرتفع گردد. همچنین، باید فرضیه صفر مبنی بر عدم وجود همبستگی مرتبه اول رد شود و عدم وجود همبستگی سریالی مرتبه دوم رد نشود. این روش، GMM تفاضل مرتبه اول نامیده می‌شود که به صورت رابطه (۴) است:



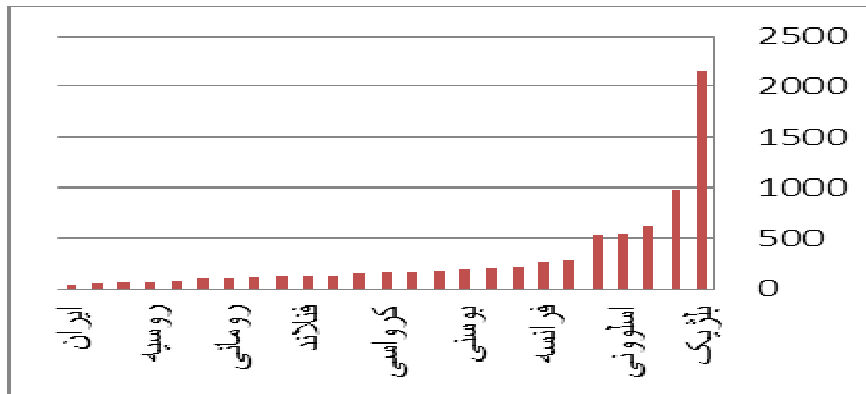
شکل ۱- متوسط شاخص کارآفرینی تثبیت شده کشورهای منتخب ۲۰۰۸-۲۰۱۳
 Figure 1. The average Medium entrepreneurship index stabilized in selected countries 2008-2013



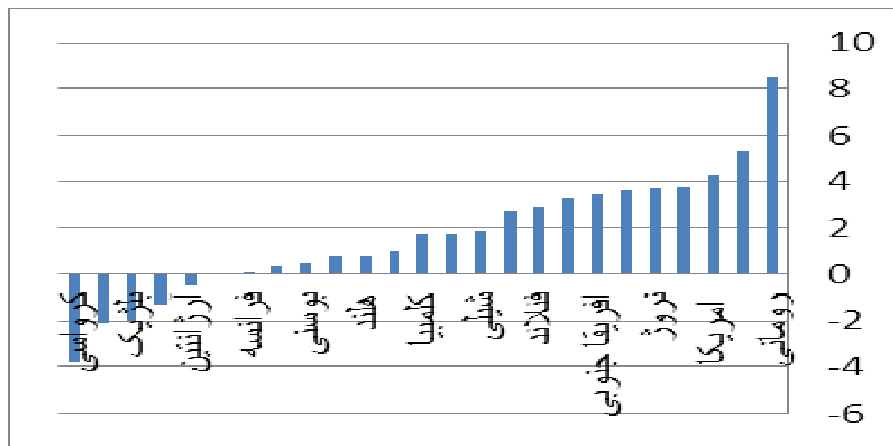
شکل ۲- متوسط شاخص کارآفرینی جدید کشورهای منتخب ۲۰۰۸-۲۰۱۳
 Figure 2. The average index of new entrepreneurs selected countries 2008-2013

در رشد بخش کشاورزی رومانی با ۸/۴۶۸ بیشترین و کرواسی با ۳/۸۲۸- کمترین مقدار را دارا می باشد و این شاخص برای ایران عدد ۰/۰۳۸- را نشان می دهد.

در شکل های ۳ و ۴ میانگین درجه باز بودن تجارت و رشد بخش کشاورزی کشورهای منتخب از سال ۲۰۰۸-۲۰۱۳ نشان داده شده است. در درجه باز بودن تجارت بلژیک با ۲۱۴۸/۳۱ بیشترین و ایران با ۳۹/۷۸ کمترین مقدار را دارا می باشد.



شکل ۳- متوسط درجه باز بودن تجارت کشورهای منتخب
Figure 3. The average trade openness selected countries, 2008-2013



شکل ۴- متوسط رشد بخش کشاورزی کشورهای منتخب
Figure 4. The average growth of the agricultural sector in selected countries, 2008-2013

در جدول ۱ به بررسی مانایی متغیرها پرداخته شده است که نشان می‌دهد براساس آزمون لوین و لین همه متغیرها مانا (ایستا) می‌باشند.

جدول ۱- بررسی آزمون ایستایی متغیرها

متغیر	آماره t	احتمال	نتیجه آزمون
کارآفرینی تثبیت شده	-۹/۹۸۷۹	۰/۰۰۰	مانا
نرخ کارآفرینی جدید	-۱۰/۶۴۳۸	۰/۰۰۰	مانا
درجه باز بودن تجارت	-۵/۲۰۵۸	۰/۰۰۰	مانا
رشد بخش کشاورزی	-۲۸/۳۰۱۳	۰/۰۰۰	مانا

تحقیق صفرمی باشد که نشان از برتری الگوی اثرات ثابت است. در جدول ۲ نتایج تخمین تأثیر رشد بخش کشاورزی و درجه باز بودن تجارت بر شاخص‌های کارآفرینی ارائه شده است.

برای انتخاب الگوی تصادفی و اثرات ثابت از آزمون هاسمن استفاده شد. اگر آماره آزمون هاسمن^۱ بزرگتر از مقادیر بحرانی اش و یا آماره احتمال آن (prob) کوچکتر از ۵ درصد باشد فرضیه صفر رد می‌شود و فرضیه مبنی بر تأیید مدل اثرات ثابت پذیرفته می‌شود. مقدار آماره مزبور در این

جدول ۲- بررسی کارآفرینی تثبیت شده و کارآفرینی جدید بر روی رشد بخش کشاورزی و درجه باز بودن تجارت
Table 2. Evaluation of established and new entrepreneurs entrepreneurship on growth, agriculture and trade openness

متغیر وابسته: کارآفرینی جدید		متغیر وابسته: کارآفرینی تثبیت شده		متغیر
انحراف معیار	ضرایب	انحراف معیار	ضرایب	عرض از مبدا
۰/۲۷۴۳۶۷	۰/۷۱۳۱۷۸	۰/۳۳۸۶۳۲	۰/۷۷۵۳۸۰	باز بودن تجارت
۰/۰۰۱۶۳۳۴	۰/۰۰۲۲۳۳۴	۰/۰۰۱۷۴۴۶	۰/۰۰۴۱۹۹**	کارآفرینی یا یک وقفه
۰/۰۰۵۰۷۰۸	۰/۸۳۹۳۰***	۰/۰۰۳۹۵۱۸	۰/۸۶۲۶۹۷***	باز بودن تجارت با یک وقفه
۰/۰۰۱۶۵۵	۰/۰۰۲۳۸۸	۰/۰۰۱۷۷۲	۰/۰۰۴۰۰۷**	رشد کشاورزی با یک وقفه
۰/۰۱۲۹۰۶	۰/۰۰۸۱۹۵	۰/۰۱۳۸۳۲	۰/۰۲۵۸۶۸	آماره ها
R ² -۰/۷۱۴۵۸	F-Stat ۷۵/۱۰۷۴۹	R ² -۰/۸۰۴۵۴	F-Stat ۱۲۳/۴۸۶۶	
R ² -Adj ۰/۷۰۵۶۴	Pro(F-stat) ۰/۰۰۰	R ² -Adj ۰/۷۹۸۰۳	Pro(F-stat) ۰/۰۰۰	

***: در سطح ۱ درصد معنی دار است

** : در سطح ۵ درصد معنی دار است

ضریب محاسبه شده برای متغیر بدان معناست که هریک درصد تغییر در درجه باز بودن تجارت، منجر به ۰/۰۰۴۱۹۹ درصد تغییر هم جهت در کارآفرینی تثبیت شده می شود. در مورد متغیرهای دیگر یعنی کارآفرینی تثبیت شده با یک وقفه زمانی، رشد بخش کشاورزی با یک وقفه زمانی و درجه باز بودن تجارت با یک وقفه زمانی به ترتیب معادل ۰/۸۶۲۶۹۷، ۰/۲۵۸۶۸ و ۰/۰۰۴۰۰۷- محاسبه شده است که این ارقام نشان می دهد که هریک درصد افزایش در کارآفرینی تثبیت شده با یک وقفه زمانی و رشد بخش کشاورزی با یک وقفه زمانی به ترتیب منجر به ۰/۸۶۲۶۹۷ و ۰/۰۲۵۸۶۸ درصد تغییر مثبت در کارآفرینی تثبیت شده می شود و از طرفی هریک درصد افزایش در درجه باز بودن تجارت منجر به ۰/۰۰۴۰۰۷ درصد تغییر منفی در کارآفرینی تثبیت شده می شود.

ضریب محاسبه شده برای متغیر بدان معناست که هریک درصد تغییر در درجه باز بودن تجارت، منجر به ۰/۰۰۲۲۳۳۴ درصد تغییر هم جهت در کارآفرینی جدید می شود. در مورد متغیرهای دیگر یعنی کارآفرینی جدید با یک وقفه زمانی، رشد بخش کشاورزی با یک وقفه زمانی و درجه باز بودن تجارت با یک وقفه زمانی به ترتیب معادل ۰/۸۳۹۳، ۰/۰۰۸۱۹۵ و ۰/۰۰۲۳۸۸- محاسبه شده است که این ارقام نشان می دهد که هریک درصد افزایش در کارآفرینی جدید با یک وقفه زمانی و رشد بخش کشاورزی با یک وقفه زمانی به ترتیب منجر به ۰/۸۳۹۳ و ۰/۰۰۸۱۹۵ درصد تغییر مثبت در کارآفرینی جدید می شود و از طرفی هریک درصد افزایش در درجه باز بودن تجارت منجر به ۰/۰۰۲۳۸۸ درصد تغییر منفی در کارآفرینی جدید می شود.

نتایج این مطالعه نشان می دهد که بین رشد و کارآفرینی رابطه مثبت وجود دارد این نتیجه مشابه کیناکجوری و همکاران (۸) می باشد در حالی که کری و توریگ (۵)، وان استل و همکاران (۱۴)، کاظمی ترقبان و همکاران (۶) و صباحی و همکاران (۱۰) نشان دادند این اثر تحت تأثیر سطح درآمد می باشد. همچنین، اسکلمن و همکاران (۱۳) نشان دادن که فعالیت کارآفرینی در کوتاه مدت، چرخه کسب و کار در کشور و به دنبال آن چرخه کسب و کار جهان با تأخیر مواجه می شود. در حالی که فعالیت کارآفرینی در بلندمدت

در سمت راست جدول ۲ ملاحظه می شود علامت بیشتر ضرایب مطابق انتظار بوده و بیشتر متغیرها در سطح ۹۵ درصد معنی دار هستند. مقادیر ضریب تعیین و مقدار تعدیل شده آن، نشان از قدرت خوب توضیح دهندگی متغیر وابسته توسط متغیرهای توضیحی و مبین این مفهوم است که متغیرهای مستقل حدود ۸۰ درصد از تغییرات کارآفرینی را توضیح می دهند. همچنین، کشش نشان می دهد که یک درصد افزایش در درجه باز بودن تجارت و رشد بخش کشاورزی با یک وقفه زمانی به ترتیب منجر به ۱۸/۳ و ۰/۰۶ درصد تغییر مثبت در نرخ کارآفرینی تثبیت شده است و مقدار آماره F و احتمال صفر مربوط به آن، از معنی داری کلی رگرسیون است. ضریب محاسبه شده برای متغیر بدان معناست که هریک درصد تغییر در درجه باز بودن تجارت و رشد بخش کشاورزی با یک وقفه زمانی به ترتیب منجر به ۰/۰۰۴۱۹۹ و ۰/۰۲۵۸۶۸ درصد تغییر در کارآفرینی تثبیت شده می شود.

در سمت چپ جدول ۲ ملاحظه می شود علامت بیشتر ضرایب مطابق انتظار نبوده. مقادیر ضریب تعیین و مقدار تعدیل شده آن، نشان از قدرت خوب توضیح دهندگی متغیر وابسته توسط متغیرهای توضیحی و مبین این مفهوم است که متغیرهای مستقل حدود ۷۲ درصد از تغییرات کارآفرینی را توضیح می دهند. همچنین، کشش نشان می دهد یک درصد افزایش در درجه باز بودن تجارت و رشد بخش کشاورزی با یک وقفه به ترتیب منجر به ۱۶/۷۳ و ۰/۳۲ درصد تغییر مثبت در نرخ کارآفرینی جدید شده است و مقدار آماره F و احتمال صفر مربوط به آن، از معنی داری کلی رگرسیون است. ضریب محاسبه شده برای متغیر بدان معناست که هریک درصد تغییر در درجه باز بودن تجارت و رشد بخش کشاورزی با یک وقفه زمانی به ترتیب منجر به ۰/۰۰۲۲۳۳۴ و ۰/۰۰۸۱۹۵ درصد تغییر در کارآفرینی جدید می شود.

این مطالعه با هدف بررسی رشد بخش کشاورزی و درجه باز بودن تجارت بر روی کارآفرینی و با استفاده از داده های کشورهای منتخب طی دوره ۲۰۱۳-۲۰۰۸ انجام گرفت. روش تحقیق تخمین الگوهای رگرسیونی داده های ترکیبی می باشد. نتایج تخمین نشان می دهد که رشد بخش کشاورزی و درجه باز بودن تجارت بر کارآفرینی تثبیت شده در سطح معنی داری بالایی موثر است.

دولت است که در این راستا می‌توان به مواردی از قبیل برپایی سازمانی که اساسا مسئولیت تمام وجوه کارآفرینی و تقویت بنگاه‌های خرد و متوسط را برعهده گیرد اشاره کرد. دسته دوم، نقش حمایتی و تشویقی است که دولت جهت پشتیبانی از کارآفرینان می‌تواند ایفا کند از قبیل ۱- ترویج فرهنگ کارآفرینی از طریق آموزش‌های ابتدایی و دانشگاهی ۲- تشویق فعالیت‌های کارآفرینانه و پدید آوردن محیط مناسب برای کارآفرین ۳- کمک به بنگاه‌های خرد برای دستیابی به سرمایه از قبیل سهولت در دادن وام و وابسته نکردن وام به دارایی ثابت.

(پس از ۱ تا ۲ سال) چرخه کسب و کار کشور خود منجر به چرخه کسب و کار جهان می‌شود که در این مطالعه که نتایج نشان‌دهنده این است که کارآفرینی تثبیت شده نسبت به کارآفرینی جدید بهتر بوده و اثر معنی‌داری بیشتری نسبت به کارآفرینی جدید دارد. توسعه کارآفرینی به عنوان یک پدیده اجتماعی، مستلزم ایجاد و تقویت زمینه‌های بروز فعالیت‌های کارآفرینانه است. به عبارتی، انواع فعالیت‌های کارآفرینانه در محیط حامی کسب و کار بروز و ظهور می‌نمایند. اقدامات دولت‌ها در جهت توسعه کارآفرینی دو نوع نقش برای دولت می‌تواند متصور شد، دسته اول اقدامات مستقل

منابع

1. Arellano, M. and S. Bond. 1991. Some tests of specification for panel data: Monte carol evidence and application to employment equation, *Review of Economic Studies*, 58(2): 277-297.
2. Baltagi, B.H. 2008. *Econometrics*, Fourth Edition. 426 Eggers Hall. 404 pp .
3. Blanchflower, G. 2000. Self-Employment in OECD Countries. *Labour Economics*, 7: 471-505.
4. Bampoky, C., L. Blanco, A. Liu and J. Prieger. 2013. Economic Growth and the Optimal Level of Entrepreneurship. *pepperdine Digital Commons. School of public policy working papers*, 3: 1-35.
5. Carree, M.A. and A.R. Thurik. 2002. The Impact of Entrepreneurship on Economic Growth, *Handbook of Entrepreneurship*. research.oxford university press, 90-112.
6. Kazemi Trqban, M. and M.H. Mobaraki. 2013. The effect of entrepreneurship on economic growth averaging approach using Bayesian, 5: 125-144.
7. Khanifar, H. and F. Vakili. 2003. Organizational structure and economic relationship between entrepreneurship and small and medium companies. *Journal of the Entrepreneur of the Year*, 2: 35-55.
8. Kyakjvry, D., A. Kuze Gar and B. Amiri. 2013. Necessity entrepreneurship in economic development and social. *National Conference on entrepreneurship and business management knowledge-based*.
9. Office of Global Entrepreneurship Watch Iran. 2015. Assessment of entrepreneurial activity in Iran based on GEM. *Entrepreneurship Faculty of Tehran University*.
10. Sabahi, A., A.S. Naji Field and A. Soleimani. 2014. The effect of entrepreneurship on economic growth in selected countries. *Journal. Research in the Economic Growth and Development*, 3: 11-24.
11. Shahraki Pour, h. and C. Benny. 2005. Entrepreneurship and Economics, *Journal of Management Development*, 26: 25-31.
12. Schumpeter, J. 1934. *The theory of economic development*, cambridge, Mass, Harvard University Press, 6: 220-237.
13. Scholman G., A. Van stel and R. Thurik. 2014. The Relationship Among Entrepreneurial Activity, Business Cycles and Economic Openness, 1: 19-36.
14. Vanstel, A., M. Carree and R. Thurik. 2004. The Effect of entrepreneurship on national economic growth: an analysis using the GEM Database, *Max planck institute for research into economic systems entrepreneurship, Growth and Public Policy*, 1: 22-37.
15. www.FAO.org. (Retrieved March, 2015)
16. www.GEM.ir. (Retrieved December, 2015)
17. Wennekers, S., A. van Stel, M.A. Carree and A.R. Thurik. 2010. The relationship between entrepreneurship and economic development: Is it U-shaped? *Scientific analysis of entrepreneurship and SMEs. Foundations and Trends in Entrepreneurship*, 6: 196-213.

The Effect of Trade Openness and the Growth of Agricultural Sector on the Entrepreneurship Index

Vida Sarrani Kani¹, Seyed Motjaba Mojaverian² and Mohammad Mehdi Mardanshaahi³

1-M.Sc. Student of Agricultural Economy, University of Agricultural Sciences and Natural Resources, Sari, Iran
(Corresponding Author: vserrani@ymail.com)

2 and 3- Associate Professor and PhD. of Entrepreneurship, Department of Agricultural Economy, University of
Agricultural Sciences and Natural Resources, Sari, Iran

Received: August 6, 2016

Accepted: October 23, 2016

Abstract

The main goal of this study was investigating the effect of the growth of agricultural sector and trade openness level on the stabilized entrepreneurship and new entrepreneurship in selected countries. To do so, the data related to 25 selected countries during the period of 2008-2013 as well as panel data approach used. The assessment results indicated a positive and significant effect of both the variables on the entrepreneurship in the selected countries, such that one percent increase in the trade openness level and agricultural sector growth with a time delay led to 18.30 and 0.06 percent, respectively, positive change in the stabilized entrepreneurship rate, and on the other hand, one percent increase in the trade openness level and agricultural sector growth with a delay led to 16.73 and 0.32 percent, respectively, positive change in the new entrepreneurship rate. Therefore, in order to accomplish entrepreneurship in the agricultural sector, increasing attention toward these two subjects, and eliminating the obstacles facing them should be placed in countries' agenda.

Keywords: Agricultural sector growth, New entrepreneurship, Panel data, Trade openness level, Stabilized entrepreneurship